

دکتر ی.ا.پولاک
ترجمه تورج آتابکی

روسیگری در ایران

مقدمه مترجم:

نوشته‌ای که اینجا با عنوان «روسیگری در ایران» به دست می‌دهیم، ترجمه مقاله‌ای است با همین عنوان که به زبان آلمانی - نه چندان معاصر - بسال ۱۸۶۱ میلادی منتشر شده است.^۱ نویسنده مقاله یاکوب ادوارد پولاک معلم دارالفنون و پژوهش مخصوص ناصرالدین شاه است. پیرامون زندگی و کارنامه پولاک چند نکته‌ای گفته شود:

یاکوب ادوارد پولاک بسال ۱۸۲۰ میلادی در بوهم اتریش زاده شد.^۲ پس از پایان تحصیل علوم پزشکی در دانشگاه‌های پراگ و وین، بسال ۱۸۵۱ به دعوت دولت ایران، روانه تهران شد. پولاک از جمله معلماتی بود که میرزا تقی خان امیرکبیر چند سالی پیش برای تدریس در دارالفنون از آنان دعوت کرده بود. اندیشه برپایی دارالفنون از امیر بود، هرچند خود فرصت نیافت ناظر تحقیق آن اندیشه بزرگ باشد.

دکتر پولاک پس از ورود به تهران به تدریس علم تشريح و جراحی در دارالفنون - مدرسه نظام پرداخت. هموارد که نخستین عمل جراحی وی بهوشی را در ایران بسال ۱۸۵۳ میلادی و نیز نخستین کالبد شکافی را بسال ۱۸۵۴ انجام داد.

از پی مرگ دکتر کلوله فرانسوی بسال ۱۸۵۶، پولاک رسماً به هیأت پژوهش مخصوص ناصرالدین شاه درآمد،^۳ مقامی را که تا سال ۱۸۶۰ میلادی حفظ کرد. در این سال به اروپا بازگشت و در بیمارستان عمومی شهر وین

بکار پرداخت. دکتر پولاک در کنار اشتغال به حرفه پزشکی، در دانشگاه وین نیز زبان فارسی درس می‌داد. او به تاریخ هشتم اکتبر ۱۸۹۱ در وین چشم از جهان برگرفت.

حاصل اقامت نه ساله پولاک در ایران، بجز ترییت گروهی پزشک از جمله میرزا حسین پسر میرزا طبیب افشار و میرزا رضای دکتر،^۱ نگارش تعدادی رساله بود در باب علم پزشکی و نیز فرهنگ سه زبانه (فارسی، عربی، لاتین) واژگان پزشکی. اما آنچه بیش و پیش از هر چیز نام این پزشک اتریشی را ماندگار کرده است، همانا سفرنامه اوست، که نخستین بار بسال ۱۸۶۵ و با عنوان «ایران، سرزمین و مردم آن» منتشر شد.

سفرنامه پولاک، یکی از درخشانترین گزارش‌هایی است که فرنگیان از زمانه و فرهنگ ایران میانه قرن نوزدهم بدست داده‌اند. پولاک در این سفرنامه از جغرافیای ایران و اتوام ساکن آن آغاز کرده و پس با دقیقی چشمگیر به تصویر تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان پرداخته است. از چشم تیز بین پولاک، روابط بسیار شخصی نیز فروگذاردنی نیست.

از این سفرنامه، دو ترجمه در دست داریم. نخستین، ترجمه محمد حسین خان قاجار است و دومین، ترجمه بسیار شیوا و روان کیکاووس جهانداری.^۵ همین دومین ترجمه بود که انگلیزه تهیه این نوشته شد.

پولاک در کتاب خود، در پایان بخشی که عنوان «زندگی خانوادگی و فعالیت جنسی» دارد، اشاره‌ای دارد به این نکته که سر آن ندارد تا در مورد روپیگری نیز بنویسد، چرا که این کار را پیشتر، جایی دیگر کرده است، و بعد اشاره‌ای به نوشته‌ای از خود می‌کند که در جنگ پزشکی وین چاپ شده است. هنگامی که این نوشته در دسترس آمد، دیدم به خلاف سفرنامه، چندان چشمگیر نیست، اما حیفم آمد که ترجمه‌ای از آن را به فارسی نداشته باشیم. بگذار ترجمه اش ادای دینی باشد به یگانه‌ای که به سرزمینمان آمد و خود را خودی یافت.^۶

ت.ا.

روپیگری در ایران از کهنترین ایام رایج بوده است. اما بخلاف آنچه در آشور و بابل و یونان جاری بود، در آینین زرتشت هرگز از آن نامی به میان نیامده است. جنگ و آمد و شد با سرزمینهای یاد شده گراپش به روپیگری را در ایران دامن زد. هرودوت در تاریخش از ایرانیان چنین یاد می‌کند: «آنان (پارسیان) در پی لذتهاي گونه گونند و آموختن از دیگران. برای لذت یابی بیشتر. از جمله از یونانیان پسر بچه بازی را آموخته‌اند. هر پارسی دارای زنان زیادی است و همزمان با روپیان نیز رابطه دارد. با در نظرداشت

نفس روپیگری — و نه اشکال آن — محتمل می‌آید که سامیان نه تنها آموزگار یونانیان در روپیگری بوده‌اند، بل ایرانیان را نیز با این امر آشنا کرده‌اند.»
ایلغارهای پیاپی و از پی آن ربودن دختران و پسران سبب پدید آمدن پدیده‌ای در شرق شده که نام خونخواهی به آن داده‌اند. در چشم شرقیان، خونخواهی از جمله بدترین نوع انتقام کشی است. در خونخواهی، تمامی افراد خاتوناده دشمن، بی توجه به سن و جنسیت مورد تجاوز قرار می‌گیرند. (هنوز هم خونخواهی در ایران مرسوم است. بزرگان و مالکان افراد خاتوناده دشمن خود را وادار به روپیگری می‌کنند. دشنام «زن و بچه‌ات را گ...م» ریشه از همین جا می‌گیرد).

ایرانیان — همچون رومیان — در زمان صلح، بردگان و اسیران را به روپیگری وامي داشتند. برخان این ادعا، همانا دوران غازان خان مغول یعنی پایان قرن سیزدهم میلادی است. روپیان را معمولاً در خانه‌هایی که روبروی مسجد، مدرسه، دیر و میخانه بود، اسکان می‌دادند. این خانه‌ها را «خرابات» می‌خوانند. صاحبان خرابات برای زنان برد پول زیادی می‌پرداختند و از همین رو فروشندگان برد ترجیح می‌دادند زنان برد را مستقیماً به صاحبان خرابات بفروشند. در میان این بردگان بودند کسانی که مایل به خودفروشی نبودند، اما اینان را به زور وادار به روپیگری می‌کردند. در آغاز حکومت غازان خان، استفاده از زور ممنوع شد، زیرا که غازان خان بسط حکومتی مبتنی بر اخلاق را وظیفه خود می‌دانست. بموجب فرمان غازان خان، فروش زنانی که مایل به کار در خرابات نبودند ممنوع شد و کسانی نیز که بخلاف میل خود فروخته شده بودند می‌توانستند از خرابات بیرون بیایند. دولت نیز قرار بر این گذاشت که از خزانه خود مبلغ معینی به صاحبان خرابات برای جبران ضرر پردازد. این زنان می‌توانستند با مردانی که حاضر به ازدواج با آنان بودند، ازدواج کنند.

اما روپیگری هیچنان پدیده‌ای جاری باقی ماند به گونه‌ای که به زمان صفویان، در قرون شانزده و هفده میلادی روپیان در جشنها و پایکوبیها سهم داشتند و چون گذشته Pietro delavalle به خزانه شاهی مالیات می‌پرداختند. در سفرنامه پیترو دلا والـه آمده که در این دوران روپیان کمک چشمگیری به خزانه شاهی می‌کردند. نیز او از مراسمی یاد می‌کند که بـالـ ۱۶۱۹ در تزدیکی اصفهان و به افتخاریکی از سفرا بر پا شده بود. پس از انتظاری طولانی (که این خود نشانه احترامی فراوان نسبت به سفیر و افراد بلندمرتبه بود) گروه ۲۰ تا ۲۵ نفری از معروف‌ترین روپیان شهر، همه سوار بر اسب، به ردیف و با صورتهای باز به میان آمدند. صورت روپیان از آن رو باز بود تا معلوم

باشد که اینان از زنان عفیفة شهر نیستند. چرا که زنان — حتی کم ارزش‌ترین بردۀ های دربار — تنها صورت خود را در برابر شاه و خواجه‌ها باز می‌کنند.

آنونیم دوگروآ Antonio de Guvea پرتغالی بر این باور است که این زنان با ادا و اطواری که هنگام رقص در می‌آورند، نمی‌توانند زنان با حرمتی باشند. اما رقصیدن از این دست را تنها مختص این گروه از زنان دانستن، نادرست است. چرا که در ایران حرکات رقص همیشه به گونه‌ای بوده که حتی رسوایرین روپیان اسپانیایی نیز از انجام آن شرم دارند.

الاریوس Olearius در گزارش از ایران بسال ۱۶۳۷ اشاره به این دارد که به هنگام غذا در پیشگاه شاه، نوازنده‌گان و رقصان ظاهر می‌شدند و در برابر شاه می‌رقصیدند. اینان را «قحبه» می‌خوانند. «قحبگان» نه تنها باید برای میهمانان برقصند، بل مایر احساسات جنسی شان را نیز برانگیزانند.

در خرابات، واسطه‌ها بیشترین تلاش‌شان بر این بود تا میهمانانشان را راضی کنند. میهمان در صورت نیاز می‌توانست با «قحبه» مورد علاقه‌اش در اطاوهایی که از پیش منظور شده بود، بدون شرم خلوت کند و پس از خلوت دوباره سر جای خود برگرد و «قحبه» نیز به رقص ادامه دهد.

شاردن Chardin می‌نویسد: بسال ۱۶۶۶ هنگامی که در اصفهان بودم، شمار روپیان رسمی شهویازده هزار نفر بود که شورا و سرپرست شورا داشتند. مالیاتی که روپیان در سال می‌پرداختند چیزی در حد مصدق و مثبت هزار اکروز (Ecuz) بود. شمار روپیان غیررسمی را نیز در همین حد تخمین زده‌اند.

در آغاز این قرن (قرن نوزدهم. م.) فتحعلی شاه — پدر بزرگ شاه کثونی (ناصرالدین شاه م.) در بخشی از تهران خانه‌هایی برای روپیان برپا کرد. اما به زمان محمد شاه — که متدين بود — این خانه‌ها بسته شدند.

اکنون، به زمان پادشاهی ناصرالدین شاه، هر چند روپیگری را کار ناپسندی می‌دانند، اما دامن آن بسیار گسترده شده است.

روپیگری در ایران را می‌توان به دو گروه طبیعی و غیرطبیعی بخش کرد، که گونه غیرطبیعی آن شامل..... می‌باشد.

یادداشت‌ها:

- در تجربه این کار، دولت خوبیم خانم شرارة نصرتی فرد و آقا میرزا قره‌باگی به یاریم آمدند، لز مردو ایشان مسبمه تشرک دارم.

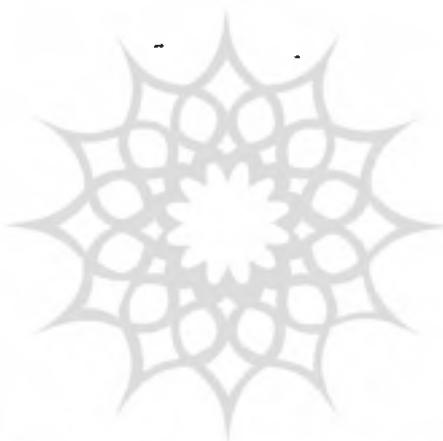
Polak, Jakob Eduard, "Prostitution in Persien," Wiener Medicinische - ۱
Wochenschrift, Nr. 32, 1861.

Encyclopaedia Judaica, vol. 13, Jeursalem, 1971. - ۲

- ۳ - مهدی بامداد، تاریخ رجال ایران، بزقار، تهران ۱۳۴۷، ص ۳۱۹.

- ۴ - مجموعه استاد و مدارک فخر خان امین الدوله، بخش دوم، بکوشش کریم اصفهانیان، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۴۷.

- ۵ - یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی